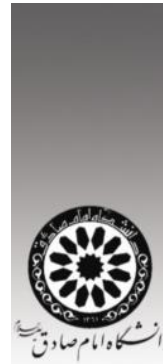


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



**مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام**  
**از دیدگاه امام خمینی(ره) و شهید صدر(ره)**  
**(بررسی مقایسه‌ای)**

دکتر اصغر آقا مهدوی



مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام  
از دیدگاه امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره)

دکتر اصغر آقا مهدوی

ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)

طرح جلد: رضا باقریان

ویرایش و صفحه‌آرایی: محمد روشنی

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ اول: ۱۳۸۹

چاپ و صحافی: زلال کوثر

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۴۶-۷۶-۲

ISBN: 978-964-7746-76-2

حق چاپ و نشر و نسخه‌برداری دیجیتال محفوظ است.

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع) ص.پ، ۱۵۹-۱۴۶۵۵ تلفن: ۸۸۳۷۰۱۴۲

سرشناسه	: مهدوی، اصغر آقا، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره) / اصغر آقا مهدوی.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۳۷۲ ص.
شابک	: ۷۰۰۰۰ ریال: ۲-۷۶-۷۷۴۶-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۳۷۲-۳۶۰.
موضوع	: خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۶۸ - ۱۳۷۹.
موضوع	: صدر، محمدباقر، ۱۹۳۱ - ۱۹۷۹ م.
موضوع	: <i>Sadr, Muhammad Baqir</i>
موضوع	: فتوهای شیعه - قرن ۱۴ - نقد و تفسیر
موضوع	: فقه جعفری - قرن ۱۴
موضوع	: اجتهاد و تقلید
شناسه افزوده	: دانشگاه امام صادق (ع)
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۷ م ۸۸۷/۴ م B/P۸۳/۹
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۴۲۲۰۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۲۰۲۸۵۱

## فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۳
مقدمه.....	۱۵

### فصل اول: کلیات

۱-۱. استنباط.....	۲۳
۱-۱-۱. منابع و روش‌های اجتهاد.....	۲۷
۲-۱-۱. حکم.....	۳۱
۳-۱-۱. حکم واقعی و ظاهری.....	۳۲
۴-۱-۱. حکم اولی و ثانوی.....	۳۳
۵-۱-۱. حکم حکومتی و قضائی.....	۳۴
۶-۱-۱. موضوع و متعلق.....	۳۶
۷-۱-۱. اقسام موضوع.....	۳۸
۸-۱-۱. موضوعات مخترعه شرعی.....	۳۸
۹-۱-۱. موضوعات عرفی.....	۳۹

۶ □ مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره)

- ۱-۱-۱۰. شناخت موضوع ..... ۴۰
- ۱-۱-۱۱. مرجع شناخت مفهوم موضوع ..... ۴۱
- ۱-۱-۱۲. شناخت مفهوم موضوع ..... ۴۲
- ۱-۱-۱۳. شناخت مصداق موضوع (تطبیق موضوع بر مصداق خارجی) ..... ۴۵
- ۱-۱-۱۴. شناخت موضوع در مقام صدور حکم ..... ۴۷
- ۱-۱-۱۵. شناخت موضوعات مستحدثه ..... ۴۸
- ۱-۱-۱۶. مبانی و روش های شناخت موضوع ..... ۵۰
- ۱-۱-۱۷. تنقیح مناط قطعی ..... ۵۱
- ۱-۱-۱۸. مناسبت موضوع و حکم ..... ۵۴
- ۱-۱-۱۹. اتحاد طریق مسئلتین ..... ۵۶
- ۱-۱-۲۰. زمان و مکان (تنقیح محل بحث) ..... ۵۸
- ۲-۱. مبانی تطبیق پذیری احکام اسلامی با شرایط جامعه ..... ۶۰
- ۲-۱-۱. تفکیک بین حوزه معاملات و عبادات ..... ۶۵
- ۲-۲-۱. قواعد تعدیل کننده ..... ۶۸
- ۲-۲-۳. منطقه الفراغ ..... ۶۹
- ۲-۲-۴. احکام حکومتی ..... ۷۰
- ۲-۲-۵. عرف و بنای عقلاء ..... ۷۰
- ۳-۱. توجه به شرایط زمانی و مکانی در سیره معصومین (ع) ..... ۷۵
- ۳-۱-۱. آراستگی ظاهری ..... ۷۵
- ۳-۲-۱. قیام علیه حاکمان جور ..... ۷۶
- ۳-۳-۱. تاکتیک های نظامی ..... ۷۷
- ۳-۳-۴. اجرای حدود الهی ..... ۸۰

## فهرست مطالب □ ۷

- ۵-۳-۱. منع از بیرون بردن گوشت قربانی منی ..... ۸۱
- ۶-۳-۱. تنوع مصادیق یک موضوع ..... ۸۲
- ۴-۱. تحلیلی بر روایات ..... ۸۳
- ۵-۱. پیشینه بحث ..... ۸۵
- ۱-۵-۱. تغییر عرف ..... ۸۶
- ۲-۵-۱. تغییر احکام حکومتی ..... ۸۸
- ۳-۵-۱. تغییر موضوع ..... ۸۹
- ۴-۵-۱. تغییر و تحول در طرح مباحث فقهی ..... ۹۰
- ۵-۵-۱. تغییر مصادیق مفهوم ثابت ..... ۹۱
- ۶-۵-۱. تغییر فروع یک اصل ثابت ..... ۹۱

### فصل دوم: مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه امام خمینی(ره)

- ۱-۲. زمان و مکان و تحول موضوعات ..... ۹۷
- ۱-۱-۲. موضوع، مصداق و متعلق ..... ۱۰۰
- ۲-۱-۲. اقسام موضوع ..... ۱۰۲
- ۳-۱-۲. تغییر موضوع ..... ۱۰۴
- ۴-۱-۲. تغییر ماهوی موضوع ..... ۱۰۴
- ۵-۱-۲. تغییر در شرایط بیرونی موضوع ..... ۱۰۶
- ۶-۱-۲. تغییر مصادیق موضوع ..... ۱۰۶
- ۷-۱-۲. تغییر عنوان موضوع ..... ۱۰۸
- ۸-۱-۲. تعلق عنوان ثانوی بر موضوع ..... ۱۰۸
- ۹-۱-۲. تغییر عنوان موضوع و زایل شدن عنوان قبل ..... ۱۱۱
- ۱۰-۱-۲. تحلیل برخی از فتاویٰ حضرت امام(ره) در چارچوب تئوری تغییر موضوع .. ۱۱۲

۸ □ مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره)

- ۱۱-۱-۲. مسئله شطرنج ..... ۱۱۵
- ۱۲-۱-۲. مصارف زکات ..... ۱۱۵
- ۱۳-۱-۲. سبق و رمایه ..... ۱۱۷
- ۱۴-۱-۲. انفال ..... ۱۱۸
- ۱۵-۱-۲. خرید و فروش آلات موسیقی ..... ۱۱۹
- ۱۶-۱-۲. نگاهی دیگر به دیدگاه حضرت امام (ره) (نوآوری این دیدگاه، حکومت و موضوعات احکام) ..... ۱۲۱
- ۱۷-۱-۲. شناخت موضوع منصوص ..... ۱۳۱
- ۱۸-۱-۲. خطابات قانونی (قضایای حقیقیه و شخصیه) ..... ۱۳۴
- ۱۹-۱-۲. حیثیت تقیدیه و تعلیلیه ..... ۱۳۸
- ۲۰-۱-۲. طریقت یا موضوعیت داشتن عنوان ..... ۱۴۲
- ۲۱-۱-۲. روش شناخت موضوعات ..... ۱۴۶
- ۲۲-۱-۲. الغاء خصوصیت ..... ۱۴۶
- ۲۳-۱-۲. مناسبت حکم و موضوع ..... ۱۵۰
- ۲۴-۱-۲. کشف مناط و نکته التشریح ..... ۱۵۴
- ۲۵-۱-۲. تمسک به ظواهر ..... ۱۵۶
- ۲۶-۱-۲. مذاق الشارع ..... ۱۵۷
- ۲-۲. عرف و سیره عقلاء ..... ۱۶۰
- ۱-۲-۲. شناخت مفاهیم و دلالات الفاظ ..... ۱۶۱
- ۲-۲-۲. الغاء خصوصیت عرفی و کشف علت ..... ۱۶۳
- ۳-۲-۲. فهم عرف به مقتضای مناسب حکم و موضوع ..... ۱۶۳
- ۴-۲-۲. عرف تنقیح مناط ..... ۱۶۳
- ۵-۲-۲. تمسک به ظواهر الفاظ ..... ۱۶۴
- ۶-۲-۲. شناخت موضوعات عرفی ..... ۱۶۴



فهرست مطالب □ ۹

۱۶۹	۷-۲-۲. تطبیق موضوعات عرفی بر مصادیق آن
۱۷۱	۸-۲-۲. اثبات حجیت دلیل
۱۷۲	۹-۲-۲. حجیت ظواهر
۱۷۲	۱۰-۲-۲. حجیت خبر واحد
۱۷۳	۱۱-۲-۲. سیره عقلاء به منزله اصلی برای استنباط احکام
۱۷۳	۱۲-۲-۲. حجیت سیره عقلا
۱۷۵	۱۳-۲-۲. نتیجه
۱۷۷	۳-۲. حکومت
۱۷۸	۱-۳-۲. ضرورت تشکیل حکومت
۱۸۱	۲-۳-۲. متصدی حکومت
۱۸۵	۳-۳-۲. مقامات پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع)
۱۸۹	۴-۳-۲. تعریف احکام حکومتی
۱۹۲	۵-۳-۲. احکام حکومتی ثابت یا متغیر
۱۹۳	۶-۳-۲. نهی از احتکار
۱۹۴	۷-۳-۲. دستور به دور ریختن شراب
۱۹۵	۸-۳-۲. خرید و فروش سلاح جنگی
۱۹۸	۹-۳-۲. قاعده لاضرر
۲۰۰	۱۰-۳-۲. بررسی دیدگاه حضرت امام(ره) در مورد ثابت بودن برخی از احکام حکومتی
۲۰۱	۱۱-۳-۲. برخی از مبانی ثابت احکام حکومتی
۲۰۵	۱۲-۳-۲. مبانی ثابت برخی از احکام قضایی
۲۰۷	۱۳-۳-۲. ملاک و ضابطه شناخت احکام حکومتی
۲۰۹	۱۴-۳-۲. لفظ «أمر»
۲۱۴	۱۵-۳-۲. لفظ «قضى»

۱۰ □ مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره)

- ۲۱۵ ..... ۱۶-۳-۲. قراین
- ۲۱۷..... ۱۷-۳-۲. تأسیس اصل در مقام شک بین دائمی یا موقت بودن یک حکم
- ۲۱۹ ..... ۱۸-۳-۲. ماهیت احکام حکومتی (اولیه یا ثانویه)
- ۲۲۴ ..... ۱۹-۳-۲. اختیارات حکومت اسلامی
- ۲۲۹ ..... ۲۰-۳-۲. جمع بین دو گفتار ظاهراً متعارض حضرت امام (ره) درباره اختیارات حکومت
- ۲۳۰ ..... ۲۱-۳-۲. وجه تقدم حکومت بر احکام اولیه
- ۲۳۱ ..... ۲۲-۳-۲. تزامن در مقام اجرا و تقديم از باب اهم و مهم
- ۲۳۲ ..... ۲۳-۳-۲. تقديم در مقام تشریح
- ۲۳۵ ..... ۲۴-۳-۲. عدم مطلوبیت ذاتی حکومت
- ۲۳۶ ..... ۲۵-۳-۲. حکومت و مصالح مسلمین
- ۲۳۸ ..... ۲۶-۳-۲. خلاصه و نتیجه بخش حکومت
- ۲۴۰ ..... ۲۷-۳-۲. خلاصه و نتیجه فصل

فصل سوم: مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه شهید صدر (ره)

- ۲۴۵ ..... ۱-۳. حوزه معاملات و عبادات
- ۲۴۶ ..... ۱-۱-۳. عبادات حوزه ثابت شریعت اسلامی
- ۲۴۹ ..... ۲-۱-۳. نیاز به ارتباط با یک نیروی مطلق
- ۲۵۰ ..... ۳-۱-۳. ایثار و از خود گذشتگی
- ۲۵۱ ..... ۴-۱-۳. احساس مسئولیت درونی
- ۲۵۱ ..... ۵-۱-۳. معاملات حوزه انعطاف پذیر شریعت
- ۲۵۲ ..... ۶-۱-۳. ضرورت تبیین و حیانی قواعد نظام اجتماعی
- ۲۵۵ ..... ۷-۱-۳. نگاهی به نظریه شهید صدر (ره)
- ۲۵۶ ..... ۸-۱-۳. اصول ثابت در حوزه معاملات

فهرست مطالب □ ۱۱

۲۵۷	..... تطبیق ۲-۳
۲۵۹	..... موارد تطبیق ۱-۲-۳
۲۵۹	..... تطبیق عناصر مشترک اصولی بر عناصر خاص فقهی ۲-۲-۳
۲۶۰	..... تطبیق اصول و قواعد فقهی بر فروع آن ۳-۲-۳
۲۶۲	..... تطبیق موضوع بر مصداق خارجی ۴-۲-۳
۲۶۶	..... منابع دخالت عنصر ذاتی در اجتهاد ۵-۲-۳
۲۶۶	..... توجیه واقع ۶-۲-۳
۲۶۷	..... گنجاندن نص در چارچوب خاص فکری ۷-۲-۳
۲۶۸	..... برداشت از نص در چارچوب لغوی خاص ۸-۲-۳
۲۷۰	..... تجرید دلیل شرعی از ظروف و شرایط آن (سیره عقلا) ۹-۲-۳
۲۷۲	..... اتخاذ موقف معین قبل از مراجعه به نص (لزوم نگاه سیستمی به مجموعه شریعت) ۱۰-۲-۳
۲۷۵	..... مبانی و روش های کشف اصول و موضوعات کلی شریعت ۱۱-۲-۳
۲۷۶	..... فهم اجتماعی نص ۱۹۶ ۱۲-۲-۳
۲۸۰	..... نگاهی به نظریه فهم اجتماعی نص ۱۳-۲-۳
۲۸۱	..... مناسبت حکم و موضوع ۱۴-۲-۳
۲۸۲	..... الغاء خصوصیت ۱۵-۲-۳
۲۸۳	..... طریقت یا موضوعیت داشتن عنوان ۱۶-۲-۳
۲۸۴	..... قضایای حقیقیه و خارجییه ۱۷-۲-۳
۲۸۶	..... استقراء ۱۸-۲-۳
۲۹۰	..... حجیت روش های کشف قواعد و تفاوت آن با قیاس باطل ۱۹-۲-۳
۲۹۲	..... منطقۃ الفراغ ۳-۳
۲۹۵	..... اصول منطقۃ الفراغ ۱-۳-۳

۱۲ □ مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره)

- ۲۹۷ ..... ۲-۳-۳. دو تعبیر دیگر از منطقة الفراغ
- ۳۰۱ ..... ۳-۳-۳. ضابطه قانون گذاری در منطقة الفراغ
- ۳۰۲ ..... ۴-۳-۳. اهداف شریعت (اتجاه التشریح)
- ۳۰۴ ..... ۵-۳-۳. اهداف منصوص برای حکم ثابت
- ۳۰۵ ..... ۶-۳-۳. ارزش های مورد تأکید و اهتمام اسلام
- ۳۰۵ ..... ۷-۳-۳. جهت گیری پیامبر (ص) و ائمه (ع) در عناصر متغیر
- ۳۰۶ ..... ۸-۳-۳. اختیارات و مسئولیت دولت در منطقة الفراغ
- ۳۰۹ ..... ۹-۳-۳. تحلیلی بر تئوری منطقة الفراغ
- ۳۱۴ ..... ۱۰-۳-۳. اشکالات وارده بر تئوری منطقة الفراغ
- ۳۳۲ ..... ۱۱-۳-۳. نتیجه

**فصل چهارم: نتیجه مقایسه دیدگاه های حضرت امام (ره) و شهید صدر (ره)**

- ۳۳۸ ..... ۱-۴. تطبیق احکام شرعی در شرایط مختلف زمانی و مکانی
- ۳۴۱ ..... ۲-۴. مسئله اول: شخصیت مجتهد و فهم عرفی موضوع
- ۳۴۳ ..... ۳-۴. مسئله دوم: مرز الغاء خصوصیت
- ۳۴۶ ..... ۴-۴. مسئله سوم: تفکیک بین علت و حکمت حکم (اصل عدل)
- ۳۵۰ ..... ۵-۴. لزوم مطالعات بین رشته ای بین فقه و سایر علوم
- ۳۵۵ ..... ۶-۴. حکومت
- ۳۶۳ ..... فهرست منابع

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَضَّلْنَا الَّذِي لِلَّهِ الْحَمْدُ وَقَالَ عِلْمًا وَسَلِيمًا دَاوُدَ ؑ آتَيْنَا وَلَقَدْ

الْمُؤْمِنِينَ عِبَادِهِ مَن كَثِيرٍ عَلَيَّ

(قرآن سوره مبارکه النمل آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

تربیت اسلامی، مرجعیت علمی

«کاری کنید که دانشگاه امام صادق علیه السلام ... مرجع تحقیقات مراکز

علمی و دانشگاه‌های دنیا بشود» مقام معظم رهبری<sup>۱</sup>

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام

---

۱. از بیانات مقام معظم رهبری در ملاقات اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)

۱۴ □ مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره)

پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که بیش از «ربع قرن» تجربه دارد و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود در طلیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (انشاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

## مقدمه

اصل لزوم تطبیق پذیری قوانین با شرایط روز و نیاز به وجود عناصر ثابت در قوانین، ظاهراً از زمان تدوین قوانین برای اداره جامعه مد نظر اندیشمندان بوده است. تقسیم‌بندی قوانین به قوانین طبیعی که ثابت می‌باشد و قوانین موضوعه که بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی وضع می‌شود و تقسیم حقوق به حقوق پیرو-حقوقی که تابع خواسته‌های مردم است- و حقوق پیشرو- که مبتنی بر نظریات اندیشمندان و صاحب نظران است- بر همین مبنا صورت گرفته است.

در شریعت اسلام بنا به فرمایش حضرت رسول اکرم(ص) حلال و حرام الهی تا قیامت ثابت و غیر قابل تغییر اعلام شده است، اما از آن‌جا که شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه با پیشرفت علم و تکنولوژی مدام تغییر می‌کند، شریعت اسلام مکانیسمی دارد که ضمن ثابت بودن، قادر است روابط اجتماعی را در شرایط مختلف زمانی و مکانی تنظیم کند. تفکیک حوزه ثابت و متغیر و نقش زمان و مکان در حوزه استنباط احکام، انگیزه اصلی این نوشتار بوده است.

تبیین این حوزه از مباحث در فقه امامیه، مورد توجه فقها و حقوق‌دانان در طی تاریخ فقهت بوده و حتی در زمان ائمه(ع) نیز بیان مختلف احکام الهی در شرایط مختلف مورد پرسش اصحاب پیامبر(ص) و ائمه(ع) قرار گرفته است.

## ۱۶ □ مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره)

با توجه به گستردگی مباحث برای تبیین نظام شریعت در این حوزه از مباحث، بررسی دقیق مسئله در اندیشه های امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره) - که در این زمینه نظراتی را ارائه کرده اند - موضوع این تحقیق قرار گرفته است. با توجه به این که این فقهای بزرگوار به طور مستقل این مبحث را در آثار خود بررسی نکرده اند، بلکه به مناسبت های مختلف در ضمن مباحث مختلف، نظریاتشان منعکس شده است، دیدگاه های ایشان در قالب ابتکاری اینجانب مورد تبیین و بررسی قرار گرفته است. در تبیین نظرات به رو بناهای دیدگاه ها اکتفا نشده، بلکه سعی شده است با توجه به آثار فقهی مکتوب، مبانی نظریات ایشان، استخراج شود.

بنابراین سؤالات اصلی که این نوشتار در مقام پاسخ به آن است، عبارتند از:

۱. دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد نقش زمان و مکان بر چه مبانی استوار است.

۲. مبانی دیدگاه شهید صدر (ره) در موضوع بحث چیست؟

۳. آیا بین دو دیدگاه تفاوت ماهوی وجود دارد یا این که تفاوت جزئی است.

پاسخ به سؤالات فوق را در فصول و بخش های زیر ارائه کرده ایم:

در فصل اول تحت عنوان کلیات، برای تبیین محل نزاع، واژه های مرتبط به بحث را به طور مختصر بررسی و در ضمن آن سعی کرده ایم به نظریات دیگر فقها به منزله مدخلی برای تبیین نظریات حضرت امام (ره) و شهید صدر (ره) اشاره کنیم. بررسی شناخت موضوع حکم و روش های آن، عرف و بناء عقلاء در همین زمینه صورت گرفته است. نگاهی کلی به نقش زمان و مکان در بیان احکام الهی در روایات اهل بیت (ع) و دیدگاه های فقها مطلب نهایی این بخش را تشکیل می دهد.



## مقدمه □ ۱۷

در فصل دوم دیدگاه‌های حضرت امام(ره) را در موضوع بحث توصیف و تبیین کرده‌ایم. دیدگاه‌های حضرت امام(ره) را در سه بخش تغییر موضوع، عرف و سیره عقلاء و حکومت، مورد بررسی قرار داده‌ایم.

در فصل سوم نظریات شهید صدر(ره) را در سه بخش «تفکیک بین حوزه معاملات و عبادات» و «تطبیق احکام شریعت» و «منطقه الفراغ» توصیف و تبیین کرده‌ایم. این تقسیم‌بندی بر مبنای موضوعاتی صورت گرفته است که دو بزرگوار در بیان دیدگاه‌های خود، در بحث از ثابتات و متغیرات در نظام شریعت بیان کرده‌اند به صورتی که حضرت امام(ره) نقش زمان و مکان را در تغییر موضوع و شهید صدر(ره) در تطبیق احکام شرعی و آن هم غالباً در حوزه معاملات می‌داند. مسئله حکومت از دو جهت در بحث ما مهم است. اولاً با توجه به شئون حکومتی قضایی و تبلیغی پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) که دو فقیه بزرگوار بدان اشاره کرده‌اند، روایات صادره از ایشان در همین سه حوزه قابل تفکیک است. مسئله مهم، چگونگی شناسایی روایات حکومتی از روایات تبلیغی با توجه به تأثیری است که این مسئله بر استنباط احکام خواهند گذاشت؛ همین‌طور، حوزه اختیارات حکومت برای اداره جامعه اسلامی و وضع قوانین متناسب با اقتضائات زمان، نقش دیگر حکومت را در کلیت نظام شریعت اسلامی نشان می‌دهد.

در فصل آخر نیز به مقایسه، نقد و بررسی مبانی کلی دو نظریه در دو بخش تطبیق احکام شرعی و حکومت و تبیین برخی از مسائل این دو حوزه پرداخته‌ایم. در این زمینه به برخی از راه‌حل‌ها و جوانبی از بحث زمان و مکان اشاره کرده‌ایم که نیازمند بحث بیشتر است. در پایان ذکر چند نکته ضروری بنظر می‌رسد:

**الف:** هدف عمده در این تحقیق تبیین مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام است، اما با توجه به گستردگی مباحث در این زمینه، این موضوع را از

۱۸ □ مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره)

زاویه دیدگاه های امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره) بررسی کرده ایم. لازم به ذکر است هدف اصلی در مطالعات مقایسه ای تبیین اصل مسئله ای است که به صورت مقایسه ای بین دو یا چند مکتب فکری یا نظریه، بررسی می شود.

ب: با توجه به این که موضوع تحقیق بررسی مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام است، مسائل مطروحه در این چارچوب قابل تعریف است. هدف، نشان دادن عوامل تاثیر گذار در استنباط درست احکام در شرایط مختلف زمانی در مقام اثبات با توجه به عدم تغییر احکام شرعی در مقام ثبوت است. در این رابطه نقش و ارتباط این عوامل با یکدیگر مورد توجه قرار گرفته است تا بر این اساس، درباره موضوع مورد بحث نظریه ای ارائه شود. در این زمینه بررسی برخی از موضوعات از جمله عرف و سیره عقلاء، ضرورت شناخت موضوع حکم و روش های شناخت آن مثل تنقیح مناط قطعی، الغاء خصوصیت، مناسبت حکم و موضوع و رابطه تعامل بین فقه و سایر علوم برای تطبیق احکام شرعی در شرایط مختلف زمانی و مکانی، مسئله حکومت و احکام حکومتی و ماهیت آنها و اختیارات حاکم و از همه مهم تر مرز الغاء خصوصیت و چگونگی استنباط احکام با توجه به مقاصد شریعت و حکمت احکام و تفکیک بین آنها و علل احکام، به این منظور صورت گرفته است. برای تبیین نقش این مسائل در موضوع بحث، مثال هایی آورده شده است؛ البته هدف بررسی همه جانبه مثال ها نبوده است.

ج: همان طوری که اشاره شد دو فقیه بزرگوار در مسئله نقش زمان و مکان در اجتهاد به مناسبت های مختلف نظریه های پراکنده ای را ارائه کرده اند. ایشان این مبحث را در کتب فقهی و اصولی خود به صورت نظام مندی بررسی نکرده اند. لذا ما تلاش کردیم که بین مباحث پراکنده در این زمینه ارتباط

## مقدمه □ ۱۹

برقرارنموده و مبانی فقهی آن را از کتب فقهی و اصولی دو بزرگوار- در قالبی که طراحی کرده‌ایم- استخراج کنیم.

د: مسلماً غیر از مواردی که عین عبارت دو فقیه بزرگوار نقل شده است، مسائل مطروحه در این زمینه، برداشت از دیدگاه‌ها بوده و با همه دقتی در این زمینه صورت گرفته، اگر اشکالی در این باره وجود دارد، متوجه نگارنده است.

ه: در این تحقیق از روش توصیفی، تحلیلی استفاده شده است. یعنی در ابتدا براساس آثار مکتوب دو فقیه بزرگوار آراء آنها استخراج کرده و سپس به تبیین و تحلیل آن پرداخته‌ایم. امید است این اثر توانسته باشد گامی در جهت تبیین دیدگاه‌های بزرگوران در مسئله مورد بحث بردارد.

پاییز ۱۳۸۹

اصغر آقا مهدوی



فصل اول:

کلیات



## ۱-۱. استنباط

معصومین(ع) وظیفه اصلی خود را القاء اصول دانسته، تفریع فروع از اصول را به پیروان خود وانهاده<sup>۱</sup> و بدین مطلب به اشکال مختلف تصریح کرده‌اند. لذا در پاسخ به فروعات فقهی که از ایشان سؤال می‌شد، به ذکر پاسخ بسنده نمی‌کردند، بلکه به قواعد کلی اشاره می‌کردند که فرع مورد سؤال از آن استخراج شده بود. بدین وسیله روش استنباط احکام را در عمل به اصحاب خود آموزش می‌دادند<sup>۲</sup> و شاگردان خود را به این عمل تشویق می‌کردند.<sup>۳</sup> بنابراین، برخی از سؤالاتی که از محضر ایشان می‌شد، جنبه فرضی داشته است؛ بدین صورت که سائل با طرح شقوق مختلف یک مسئله به دنبال رسیدن به مبنا و اصول کلی حاکم بر قوانین اسلامی بوده است.<sup>۴</sup>

«از آنجا که این عملیات، یعنی تفریع فروع از اصول یا تعیین حکم موضوعات متنوعی که با گذر زمان برای مسلمانان به وجود می‌آید، به دلیل وجود محکم و

---

۱. «إنما علينا أن نلقى الاصول وعلیکم أن تفرعوا» حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۸ (بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا) کتاب القضاء، ابواب صفات القاضی، الباب ۶، الحدیث ۱.

۲. مثل (ما عن محمد بن علی بن الحسین، باسناده عن زرارة قال: قلت لابی جعفر(ع): ألا تخبرنی من این علمت و قلت: إن المسح ببعض الرجلین؟ فضحك و قال: یا زرارة قاله رسول الله(ص) و نزل به الكتاب عن الله عزوجل، لأن الله عزوجل قال: «فأغسلوا وجوهکم» فرعنا أن الوجه كله ینبغی أن یغسل، ثم قال: و ایدیکم الی المرافق» فوصل الیدین الی المرفقین بالوجه، فرعنا أنه ینبغی لهما أن یغسلا الی المرفقین. ثم فصل بین الکلام فقال: (وامسحوا برؤوسکم) فرعنا حین قال «برؤوسکم» أن المسح ببعض الرأس، لمكان الباء. ثم وصل الرجلین بالرأس، كما وصل الیدین بالوجه، فقال «وأرجلکم الی الكعبین» فرعنا حین وصلهما بالرأس، أن المسح علی بعضهما، ثم فسر رسول الله(ص) للناس فضیغوه) همان، ج ۱، ص ۲۹۰ و رک: همان، ج ۲، ص ۵۳۸.

۳. «قول الصادق(ع) لأیمان بن تغلب: اجلس فی مسجد المدینة و أفت الناس فإنی احب أن یری فی شیعتی مثلک» همان ج ۱۲، ص ۱۱۶ و رک: همان، ج ۱۸، ص ۸۲.

۴. برای نمونه رک: همان، ج ۱، ص ۱۷۴ و ج ۲، ص ۱۰۵۳.

## ۲۴ □ مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره)

متشابه<sup>۱</sup>، مطلق و مقید، عام و خاص در روایات معصومین (ع) و نیز صدور اخبار تقیه‌ای، احکام ولایی، فهم نادرست احادیث و انتقال غلط آن، جعل اخبار نادرست به ادله مختلف، کار دشواری است<sup>۲</sup>، این عملیات را اجتهاد نامیده‌اند. اجتهاد از ماده جُهد یا جَهد، به معنای طاقت است<sup>۳</sup>. برخی جُهد را به مشقت و جَهد را به طاقت و وسع معنا کرده‌اند<sup>۴</sup>.

لذا اجتهاد عملی است که با مشقت و سختی باشد، چنانچه در اقرب الموارد

آمده است:

«اجتهاد به معنای به‌کاربردن حداکثر توانایی در تحصیل امری است که مستلزم مشقت و کلفت باشد. چنانچه برای اشاره به حمل سنگ بزرگ کلمه اجتهاد به کار می‌رود، ولی برای اشاره به حمل اشیاء کوچک مثل خروله از اجتهاد استفاده نمی‌شود»<sup>۵</sup>.

در اصطلاح نیز اجتهاد به معنای به‌کار بردن حداکثر توان برای استنباط حجت شرعی معنا شده است<sup>۶</sup>. این تعریف در مقابل تعاریفی است که اجتهاد را به معنای معنای به‌کارگیری تمام توان در تحصیل ظن به حکم شرعی معنا کرده‌اند<sup>۷</sup>.

- 
۱. « عن الرضا (ع) ... ثم قال: إن فی أخبارنا محکماً محکم القرآن و متشابهاً کمتشابه القرآن. فردوا متشابهها إلى محکمها و لا تتبعوا متشابهها دون محکمها فتضلوا» حر عاملی، پیشین، ج ۱۸، ص ۸۲.
  ۲. عن الصادق (ع) انتم افقه الناس اذا عرفتم معانی کلامنا، إن الکلمة لتنصرف علی وجوه فلو شاء الانسان لصرف کلامه کیف شاء و لا یکذب: همان، ج ۱۸، کتاب القضاء، الباب ۹، من ابواب صفات القاضی، الحدیث ۲۵.
  ۳. محمد بن مکرّم، ابن منظور، لسان العرب، ج ۳ (بی جا، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق) ص ۱۳۳.
  ۴. ابراهیم انیس، المعجم الوسیط (بی جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم ۱۳۷۶ش) ص ۱۴۲.
  ۵. سعید، خوری شرتونی لبنانی، اقرب الموارد (بی جا، منشورات مکتبه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۳ق) ماده جهد: «الإجتهاد، بذل الوسع فی تحصیل الأمر مستلزماً للکلفة و المشقة، تقول اجتهد فی حمل الحجر و لا تقول اجتهد فی حمل الخرولة».
  ۶. آخوند خراسانی، کفایة الاصول (بی جا، مؤسسه آل البیت لإحياء التراث، بی تا) ص ۴۶۴.
  ۷. حاجی، شرح مختصر الاصول، ص ۴۶۰، به نقل از کفایة الاصول، ص ۴۶۴.



## کلیات □ ۲۵

مجموعه عبارات فقهای شیعه درباره اجتهاد چنین به دست می‌آید که عده‌ای اجتهاد را عملیاتی دانسته‌اند که در نتیجه آن، احکام شرعی از منابع آن استخراج و استنباط می‌شود. برخی نیز آن را ملکه‌ای دانسته‌اند که بواسطه آن انسان می‌تواند احکام فرعی را از اصول استخراج کند.<sup>۱</sup>

واژه اجتهاد در تاریخ فقه، با واژه رأی «اجتهاد الرأی» و قیاس قرین است که در مکتب اهل تسنن در مقابل اصحاب حدیث شکل گرفته است. این دو مکتب گرچه در جوانب کاربردی اجتهاد با هم اختلافاتی داشته‌اند، ولی هیچ‌کدام نسبت به بنیاد اجتهاد در پاسخ‌گویی به مسائل جدید تردید نکرده‌اند.<sup>۲</sup>

مکتب اهل رأی به پیشوایی ابوحنیفه نعمان بن ثابت، در عراق و مکتب اهل حدیث به رهبری مالک بن انس، در حجاز رو در روی یکدیگر قرار گرفتند. بدین سان که اصطلاحات عمده فقهی و اصولی چون قیاس و استحسان مصالح مرسله و جز آن‌ها، در سده‌های دو و سه قمری وضع شد. شافعی واژه اجتهاد را با قیاس مترادف می‌دانست.<sup>۳</sup>

مکتب امامیه، اجتهاد به معنای اعمال رأی شخصی و قیاس و استحسان را، به واسطه روایات فراوانی که از ائمه (ع) رسیده است، مردود می‌داند. انکار اجتهاد از

---

۱. گرچه مراد اصلی از واژه «استنباط» در عنوان کتاب استنباط به همین معنای مصطلح است، ولی از آن‌جا که حکومت و احکام حکومتی نقش مهمی در مجموعه نظام فقهی و در ارتباط با اداره جامعه اسلامی در شرایط مختلف زمانی و مکانی دارد، در مواردی نیز تأثیر زمان و مکان در اجتهاد به معنای عام آن به صدور حکم حکومتی منجر می‌شود، مد نظر قرار گرفته است.

۲. رک: احمد پاکتچی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مقاله اجتهاد، ج ۶ (تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۳ش) ص ۵۹۹.

۳. رک: ابو القاسم گرجی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مقاله ادوار اجتهاد، ج ۶ (تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۳ش).

## ۲۶ □ مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره)

طرف علمای شیعه تا زمان محقق حلی ناظر بر همین تعریف از اجتهاد بوده است. اجتهاد به معنای استنباط احکام بر پایه نصوص و ظواهر کتاب و سنت در عصر معصومین (ع) در میان اصحاب ایشان رواج داشته است،<sup>۱</sup> اما در کم و کیف این اجتهاد نظریات مختلفی وجود دارد. شهید مطهری معتقد است که هر چند در عصر حضور، مجتهدین و ارباب فتوی وجود داشته‌اند که ائمه (ع) آن‌ها را به فتوا دادن تشویق می‌کرده‌اند، ولی به دلیل حضور ائمه (ع) تحت الشعاع بوده‌اند و مرجعیت آن‌ها در زمان دست ناری به ائمه (ع) بوده است.<sup>۲</sup>

برخی دیگر معتقدند در دوره حضور امام (ع) دو گونه فقه در جامعه شیعی وجود داشته است. یک جنبش استدلالی اجتهادی و عقلی که در مسائل فقهی با در نظر گرفتن احکام و ضوابط کلی و قرآنی و حدیثی به اجتهاد معتقد بوده‌اند. یک خط سنت‌گرایانه که به نقل و تمرکز بر احادیث تکیه داشته و کاری اضافی به صورت اجتهاد و تفکر متکی بر قرآن و سنت انجام نمی‌داده‌اند. این دسته مخالف هر گونه استدلال عقلی بوده و نهی از قیاس در روایات را شامل کشف‌های قطعی نیز می‌دانسته‌اند.<sup>۳</sup>

در عصر غیبت نیز با توجه به جریانات و شخصیت‌هایی که در دوران فقه و فقاهت ظهور کرده‌اند، تقسیم‌بندی‌هایی انجام شده است. برخی، ادوار اجتهاد در عصر غیبت را به ۶ دوره تقسیم می‌کنند:<sup>۴</sup> عصر تدوین قواعد اصولی و عناصر مشترک اجتهادی (ابن ابی

۱. رک: همان و شیخ آغا بزرگ طهرانی، تاریخ حصر الاجتهاد (بی‌جا، مدرسه الامام المهدی، ۱۴۰۱ق) ص ۷۶.

۲. مرتضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی (تهران، انتشارات تهران، ۱۳۷۶) ص ۷۶.

۳. رک: حسین مدرسی طباطبایی، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ترجمه محمد آصف فکرت (مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸ش) ص ۳۶-۳۷.

۴. محمد ابراهیم جناتی، ادوار اجتهاد (تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۲) ص ۴۱.

## کلیات □ ۲۷

عقيل، م ۳۲۹ - شيخ طوسي، م ۴۶۰) عصر به کارگیری عناصر مشترک اجتهاد در منابع (شيخ طوسي - ابن ادریس م ۵۹۸)، عصر گسترش استدلال و مسائل اجتهادی (ابن ادریس - وحید بهبهانی، م ۱۲۰۵)، عصر تکامل اجتهاد (وحید بهبهانی - شيخ انصاری، م ۱۲۸۰)، عصر ژرف اندیشی در مباحث اجتهاد (شيخ انصاری - امام خمینی، م ۱۴۰۹ق) و عصر کلیت کاربرد اجتهادی با شیوه نوین (امام خمینی تا کنون)

مکتب اهل حدیث و مکتب متکلمان در نخستین قرن غیبت، مکتب شیخ الطائفه، مکتب شهید اول، فقه دوره صفوی (مکتب محقق کرکی - مکتب مقدس اردبیلی) مکتب وحید بهبهانی و مکتب شیخ انصاری تقسیم بندی دیگری است که نسبت به مکاتب فقهی امامیه، صورت گرفته است.<sup>۱</sup>

### ۱-۱-۱. منابع و روش های اجتهاد

فقیهان مسلمان به رغم اختلاف نظری که در روش ها و منابع استنباط داشته اند، تلاش کردند ضوابط و قواعدی را برای استخراج فروع از اصول تنظیم کنند. مجموعه این تلاش ها دانشی به نام علم اصول را به وجود آورده که در طول تاریخ تطوراتی را به دنبال داشته است.

اختلاف اصلی درباره مسئله امامت و خلافت پس از رحلت رسول اکرم (ص) در بین امامیه و اهل سنت شروع شد. امامیه معتقد به امامت حضرت علی (ع) بعد از پیامبر (ص) به نص ایشان بودند. در حالی که اهل تسنن چنین شیوه ای را برای انتخاب خلیفه نپذیرفتند و قائل به مبنا قرار دادن انتخاب اهل حل و عقد در این زمینه شدند. این اختلاف اساسی موجب شد تا در استنباط

---

۱. رک: حسین مدرسی طباطبائی، پیشین ۳۷-۶۱.

## ۲۸ □ مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره)

احکام نیز، اختلافاتی بین دو مذهب، هم از جهت منابع و هم در روش‌های استنباط ایجاد شود.

کتاب، سنت، عقل و اجماع، منابع مشترک امامیه و اهل تسنن در استنباط احکام هستند، اما در حد و حدود استفاده از این منابع اختلاف وجود دارد، در کتبی که بدین منظور تألیف شده است، این اختلافات مورد بررسی قرار گرفته است.<sup>۱</sup> به‌طور خلاصه می‌توان گفت، سنت به اعتقاد امامیه قول، فعل و تقریر پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) محسوب می‌شود و اجماع در این دیدگاه در صورتی حجت است که کاشف از قول معصوم (ع) باشد.<sup>۲</sup> عقل نیز گرچه در مستقلات عقلیه منبع مستقلى در عرض کتاب و سنت است، ولی در غیر مستقلات عقلیه به‌منزله ابزاری برای استنباط از کتاب و سنت مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، می‌توان گفت که منابع اساسی استنباط از دیدگاه امامیه کتاب و سنت است، ولی سنت، در مکتب اهل تسنن تنها قول و فعل، تقریر پیامبر (ص) را در برمی‌گیرد. برای اجماع با توجه به روایاتی که در این زمینه از پیامبر (ص) نقل می‌کنند،<sup>۳</sup> موضوعیت قائل هستند. بر این اساس، در این دیدگاه اجماع، منبع مستقلى در عرض کتاب و سنت است. در زمینه مدرکات عقلی اصحاب رأی از فقهای اهل سنت به اعتبار مطلق ادراکات عقلی اعم از قطعی و

---

۱. رک به: محمد تقی حکیم، الاصول العامة للفقهاء المقارن (بی جا، مؤسسة آل البيت، للطباعة والنشر، ۱۹۷۹م) محمد ابراهیم جناتی، منابع اجتهاد (تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۰ش).

۲. ابوالقاسم گرگی، مقالات حقوقی، ج ۲ (تهران انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹) ص ۱۶۲.

۳. مثل «لا یجمع الله امتی علی الضلالة ابدأ» یوسف مرعشی، مستدرک الحاکم (بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶) ص ۱۱۵.

## کلیات □ ۲۹

غیر قطعی معتقد هستند. البته اهل حدیث از اهل تسنن برای عقل در حوزه استنباط احکام، نقشی قائل نیستند.<sup>۱</sup>

منشأ اصلی اختلاف در روش‌ها قطعیت و عدم قطعیت متدهایی است که در استنباط احکام از منابع آن به کار گرفته می‌شود. فقهای امامیه بر این باورند که از راه‌هایی می‌توان استفاده کرد که با آن‌ها قطع به حکم شرعی حاصل می‌شود. حال این طرق یا خود مسبب قطع هستند و لذا حجیت آن‌ها ذاتی است و یا این‌که مثل خبر واحد- ظواهر کتاب و سنت- گرچه مسبب قطع نیستند، ولی از آن‌جا که ادله قطعی بر حجیت آن‌ها اقامه شده است، حجت محسوب می‌شوند.<sup>۲</sup>

اهل تسنن برای تفریع فروع از اصول، به دلیل محدودیت منابع در نتیجه محروم کردن خود از منبع عظیم اهل بیت(ع) و نیز گستردگی فروعاتی که به دلیل در اختیار داشتن حکومت با آن روبرو بودند، روش‌های متنوعی را برای استنباط احکام به کار بردند.

---

۱. ابراهیم جناتی، منابع اجتهاد، پیشین، ص. ۲۴۲.

۲. محمد تقی حکیم، پیشین، ص ۳۶.

### ۳۰ □ مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره)

قیاس<sup>۱</sup>، استحسان<sup>۲</sup>، مصالح مرسله<sup>۳</sup> و سد و فتح الذرایع<sup>۴</sup> از جمله آن‌ها

هستند.

۱. قیاس را که عده ای این‌گونه معنا کرده‌اند: حمل معلوم بر معلوم جهت اثبات حکمی برای آن دو یا نفی حکمی از هر دو بواسطه امر جامعی که بین آن دو وجود دارد. برخی آن را کشاندن حکم از اصل به فرع به دلیل علت متحدی که الفاظ بر آن دلالت دارد، دانسته اند. وهبه زحیلی تعریف اول را به قاضی باقلائی و تعریف دوم را به صدر الشریعة نسبت می‌دهد. «اصول الفقه الاسلامی، ج (دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۲ق) ص ۶۰۱». دیدگاه فقهای امامیه مبنی بر بطلان قیاس از آن جهت بوده که مؤدای قیاس ظن آور و دلیل قطعی بر حجیت آن وجود ندارد، بلکه روایاتی در تفریق آن وارد شده است. (حر عاملی، پیشین، ج ۱۸، ص ۲۹ و همان ص ۳۰ و ۳۴) البته چنانچه قیاس منصوص العله باشد، با توجه به اینکه علم به علت حاصل می‌شود، می‌توان حکم آن را به موضوعاتی تعمیم داد که علت منصوص در آن وجود دارد.

۲. از آن‌جا که گاهی عمل به قیاس در استنباط احکام نتایج نامطلوبی داشت که مورد پسند فقهای اهل تسنن نبود اصل دیگری تاسیس شد که تعدیل‌کننده نتایج قیاس باشد. بنابراین اصل، چنانچه نتیجه قیاس مخالف نصوص شرعی یا مخالف عرف رایج باشد و یا این‌که ضرورت و مصلحت اقتضاء کند که دست از نتیجه قیاس برداریم، استحساناً دست از نتایج آن برمی‌داریم. «عبدالکریم زیدان، الوجیز فی اصول الفقه (بی‌جا، دار احسان، ۱۴۱۵، ص ۲۳۳) ابوالحسن کرخی از علمای حنفی در تعریف استحسان می‌گوید «هو العدول فی مسئله عن مثل ما حکم به فی نظائرها الی خلافه، لوجه اقوی یتقضى العدول» شاطبی. الموافقات (۲ بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۲۲ق) ص ۲۰۵

۳. مصلحت اندیشی برای استنباط احکام یکی دیگر از راههایی است که اهل تسنن برای پاسخ دادن به مسائل جدید بدان تمسک کرده اند. از دیدگاه غزالی، مصالحی که دلیلی از شرع بر خلاف آن وجود دارد نمی‌تواند مستند استنباط باشد. هم‌اظوری که مصلحتی که قریبه ای از شرع بر اعتبار آن وجود دارد، شکی در اعتبار آن نیست. آنچه مورد نظر است، مصالحی است که دلیلی از طرف شرع بر رد یا تأیید آن وارد نشده است. چنین مصالحی بنا بر حقیقی بودن، عام بودن، مخالف اجماع نبودن، لازم رعایه است. احکام مترتب بر مصلحت را با توجه به درجات آن می‌توان به سه دسته ضروری، حاجی و تحسینی تقسیم کرد. «غزالی، المستصفی، به نقل از محمد بحر العلوم، الاجتهاد، اصوله و احکامه (بی‌جا، دارالزهراء، ۱۴۱۲ق) ص ۱۰۶». در فقه امامیه گرچه مصلحت، نقش حائز اهمیتی دارد، ولی آنچه نقطه افتراق دو مذهب است، آن است که در مذهب امامیه کاربرد مصلحت عمدتاً در احکام حکومتی و در اجرای احکام شرعی در مقام تراحم پذیرفته شده است. و در مواردی، موضوعات احکام مقید به مصلحت شده‌اند. مثلاً تصرفات ولی در اموال مولی علیه منوط به رعایت مصلحت شده است. البته فقهای امامیه پذیرفته‌اند که احکام در مقام ثبوت تابع مصالح و مفاسد است، ولی تمسک به مصالح ادراکی در مقام استنباط احکام را جایز نمی‌دانند.

۴. ذریعه که در لغت به معنای وسیله است، در اصطلاح به معنای وسیله‌ای است که مقدمه فعل حرام یا واجب قرار می‌گیرد. از دیدگاه ابن قیم به چهار قسمت تقسیم می‌شود: «وسیلة موضوعة للافضاء الی المفسدة» و «وسیلة موضوعة للمباح قصد بها التوسل الی مفسدة» و «وسیلة موضوعة للمباح لم یقصد بها التوسل الی المفسدة و لكنها مفضیة الیها غالباً» و «وسیلة موضوعة للمباح و قد تقضى الی المفسدة و مصلحتها ارجح من مفسدتها». (ابن‌قیم، اعلام الموقعین به نقل از محمدتقی حکیم، پیشین، ص ۳۲۷) این اصطلاح که اصولیین امامیه از آن به مقدمه واجب و مقدمه حرام تعبیر می‌کنند، چنانچه کشف حکم آن از راه ملازمه عقل بین حکم مقدمه و ذی المقدمه حاصل شود، بنا بر مبانی امامیه از صغریات دلیل عقل و چنانچه از راه امر شارع به ذی المقدمه به دلالت التزامی باشد، از صغریات سنت به حساب می‌آید. پس نمی‌توان آن را اصل مستقلی در مقابل کتاب و سنت و عقل قرار داد. بنابراین می‌توان گفت، اصولیین امامیه نیز از قائلین به سدالذرایع و فتح الذرایع هستند ولی در حدود و ثغور آن با فقهای اهل تسنن اختلاف دارند.

## کلیات □ ۳۱

علامه حلی در تحقیق جامعی که در نقد علل مستنبطه انجام داده است، در ابتدای کلام خود در این باره می‌گوید:

«از آن‌جا که در شرع ما امور مختلف، احکام متشابهی و امور متشابه احکام متفاوتی دارند، ضابطه ای جز نص وجود ندارد»<sup>۱</sup>.

### ۱-۱-۲. حکم

حکم، در برخی از کتب لغت به قضاوت و داوری معنا شده است.<sup>۲</sup> راغب در المفردات، اصل آن را از «منع» به معنای بازدارندگی می‌داند. به همین مناسبت افسار چهارپایان را «حکمة الدابة» یعنی بازدارنده دابه گویند.<sup>۳</sup> شبیه همین معنا از دیگران نیز نقل شده است.<sup>۴</sup>

حکم در اصطلاح رایج بین فقها، به معنای تکلیف شرعی است که شامل احکام خمس، وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه می‌شود. برخی از معاصرین آن را به آنچه در ارتباط با عمل مکلفین به گونه اقتضاء (وجوب و حرمت) یا تخییر (اباحه) جعل شده است، تعریف کرده‌اند.<sup>۵</sup>

---

۱. علامه حلی، مبادئ الوصول الى علم الاصول (قم مرکز الاعلام الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۰۴) ص ۲۲۰ «فلما بینا أن شرعنا منی علی الجمع بین المختلفات و التفرقة بین المتماثلات، فلا ضابط سوى النص».

۲. بن منظور، پیشین، ج ۳، ص ۲۷۰.

۳. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن (تهران، مرتضوی، ۱۳۷۳) ص ۱۲۵.

۴. ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۱ (قم، انتشارات اسماعیلیان، بی تا) ص ۴۲۰ و الزبیدی، تاج العروس، ج ۸ (کویت، دارالهدایة ۱۴۰۸ ق) ص ۲۵۲.

۵. ابوالقاسم خوئی، مصباح الاصول، ج ۳ (تقریرات الخوئی للسیّد محمد سرور الواعظ الحسینی، قم، مکتبة الداوری، چاپ پنجم، ۱۴۱۷) ص ۷۸: «الاعتبار الصادر من المولی بالاقضاء و التخییر».

## ۳۲ □ مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره)

این تعاریف شامل احکام وضعی نمی‌شود. صحت، بطلان، جزئیت، شرطیت، مانعیت، سببیت از احکام وضعی شمرده می‌شوند که برخی برای آن حد معینی قائل نشده‌اند.<sup>۱</sup> شیخ انصاری احکام وضعی را منتزع از احکام تکلیفی می‌داند.<sup>۲</sup> در تعریفی که برخی از مطلق حکم کرده‌اند، مسئله جعل تبعی احکام وضعی لحاظ شده است.<sup>۳</sup> آخوند خراسانی همه احکام وضعی را تبعی نمی‌داند، بلکه برخی از آن‌ها را مثل ولایت و قضاوت مجعول مستقل می‌داند و برخی مثل شرطیت و جزئیت را تابع جعل تشریعی و برخی را مثل مانعیت و رافعییت مجعول تکوینی می‌داند.<sup>۴</sup> در تعریفی که بعضی از قدماء از حکم ارائه کرده‌اند، شامل احکام تکلیفی و وضعی هر دو می‌شود.<sup>۵</sup>

### ۱-۳-۱. حکم واقعی و ظاهری

احکام واقعی، احکامی هستند که شارع مقدس برای موضوعات کلی قرار داده است و علم و جهل ما در آن مداخلیت ندارد. از آن‌جا که ممکن است ما به دلایل مختلف به حکم واقعی دسترسی نداشته باشیم، شارع در ظرف شک،

---

۱. محمد حسین نائینی، فوائد الاصول، محمد علی کاظمی خراسانی تقریرات درس میرزای نائینی ج ۴ (قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹) ص ۳۸۴ «قیل آن‌ها غیر محصورة».

۲. مرتضی انصاری، فرائد الاصول (قم، مجمع الفکر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۹) ص ۱۲۸-۱۲۹.

۳. الشیخ بهاء الدین الحجتی البروجردی، الحاشیة علی کفایة الاصول، تقریرات سید حسین بروجردی (قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول ۱۴۱۲) ص ۳۷۰ «الحکم عما جعله الشارع بالجعل الاستقلالی او التبعی» ایشان این تعریف را که به استاد خود نسبت می‌دهد، بهترین تعاریف می‌داند.

۴. آخوند محمد کاظم خراسانی، پیشین، ص ۴۰۰-۴۰۱.

۵. فاضل مقداد، نضد القواعد الفقہیة (بی‌جا، منشورات مکتبة آیت‌الله النجفی، بی‌تا) ص ۹ «الحکم خطاب الشارع المتعلق باعمال المكلفین بالافتضاء و التخییر او الوضع».



## کلیات □ ۳۳

احکامی را برای ما قرار داده است که به آن حکم ظاهری می‌گوییم. این مطلب از تعریف شهید صدر برداشت می‌شود. او در این مورد می‌گوید:<sup>۱</sup>

«حکم واقعی حکمی است که در موضوع آن شک به حکم شرعی قبلی لحاظ نشده باشد. حکم ظاهری حکمی است که در موضوع آن شک به حکم شرعی قبلی، لحاظ شده باشد.»

بنابراین، تعریف احکامی که از اصول عملیه مانند استصحاب و برائت یا احتیاط، استنباط می‌شوند، احکام ظاهری می‌گویند.

در اصطلاح دیگر حکم واقعی به حکمی می‌گویند که از ناحیه شارع وضع شده و ادله قطعی بر آن دلالت داشته باشد. در مقابل آن، حکم ظاهری است که مدلول ادله غیر قطعی، اعم از اماره یا اصل است.<sup>۲</sup> بر مبنای این تعریف همه احکامی که از ادله غیر قطعی اعم از ادله فقاهتی یا ادله اجتهادی استنباط می‌شود، احکام ظاهری نامیده می‌شود.

### ۱-۱-۴. اولی و ثانوی

احکام اولی، احکامی هستند که از طرف شارع به ذات اشیاء تعلق گرفته است، اما چنانچه حالات خاصی مثل اضطرار، اکراه، عجز و جهل بر مکلف عارض شود که به آن‌ها عناوین ثانویه اطلاق می‌شود، حکم آن موضوع نیز عوض و حکم ثانوی بر آن عارض می‌شود. در تمام موارد فوق تا وقتی که عنوان ثانوی وجود

---

۱. محمد باقر صدر، درس فی علم الاصول، ج ۱ (بیروت، دار الکتب اللیبانی مکتبة المدرسة، چاپ دوم، ۱۴۰۶) ص ۱۴۹  
«فالحکم الواقعی هو کل حکم لم یفترض فی موضوعه الشک فی حکم شرعی مسبق و الحکم الظاهری هو کل حکم افترض فی موضوعه الشک فی حکم شرعی مسبق».

۲. محمد تقی حکیم، پیشین، ص ۷۴.

۳۴ □ مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره)

دارد، حکم ثانوی هم وجود دارد و با انتفاء عناوین ثانوی حکم آن هم منتفی خواهد شد. برای مثال، شرب خمر به منزله اولی حرام است، ولی چنانچه نجات جان انسان منوط به شرب مقداری از آن باشد، مباح خواهد بود.

### ۱-۱-۵. حکم حکومتی و قضایی

احکام حکومتی، تصمیماتی است که ولی امر در سایه قوانین شریعت و رعایت موافقت آن‌ها به حسب مصلحت زمان اتخاذ و طبق آن‌ها مقرراتی وضع می‌کند و به اجرا در می‌آورد. مقررات مزبور لازم‌الاجرا و مانند شریعت دارای اعتبار است؛ با این تفاوت که قوانین آسمانی ثابت و غیر قابل تغییر و مقررات وضعی، قابل تغییر و در ثبات و بقا تابع مصلحتی هستند که آن‌ها را به وجود آورده است. جامعه انسانی در تحول و رو به تکامل است، طبعاً این مقررات به تدریج تبدیل پیدا می‌کنند و جای خود را به بهتر از خود می‌دهند.<sup>۱</sup> مراد از مطلق حکم در کلمات بعضی از فقهاء حکم حکومتی یا قضایی است که در مقابل فتوی قرار دارد. صاحب جواهر در تفاوت حکم و فتوی می‌گوید:

«فتوی اخبار به حکم شرعی نسبت به یک متعلق کلی از جانب خداوند است... اما حکم دستور به اجرای حکمی از احکام شرعی یا وضعی یا تطبیق آن احکام بر موضوعات آن‌ها در موردی خاص است.»<sup>۲</sup>

---

۱. محمد حسین طباطبائی، فرازهایی از اسلام، به کوشش سید مهدی آیت‌اللهی (قم، انتشارات جهان آرا، بی تا) ص ۱۱۲.

۲. شیخ محمد حسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۴۰ (دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۲ش) ص ۱۰۰ «بقی الفرق بینهما و الظاهر المراد بالأولی إخبار عن الله تعالی بحکم شرعی متعلق بکلی. کالتقول بنجاسة ملاقی البول او الخمر و اما قول هذا الفرح نجس لذالک فهو لیس بفتوی و إن کان ربما یتوسع باطلاقها علیه. و اما الحکم انشاء انفاذ من الحاکم لا منه تعالی، لحکم شرعی او وضعی او موضوعهما فی شیء مخصوص».

## کلیات □ ۳۵

اگر حاکم این حکم را برای حل مشکلات جامعه و حکومت صادر کند، به آن حکم حکومتی و چنانچه برای حل دعوای متنازعین باشد به آن حکم قضایی گویند. تعریفی که شهید ثانی از حکم ارائه می‌کند، تنها حکم قضایی را در بر می‌گیرد. او می‌گوید:<sup>۱</sup>

«فرق بین حکم و فتوی با این که هر دو خبر دادن از حکم خداوند هستند و باید به آن‌ها اعتقاد داشت، آن است که فتوی تنها إخبار از خداوند به این که حکم او در این قضیه چنین است، می‌باشد، اما حکم عبارت است از دستور به آزادی یا الزام، برای مصالحی که در زندگی وجود دارد... در مسئله‌ای که محل نزاع بین دو نفر است.»

بنابراین، می‌توان گفت: اولاً، حکم عبارت از تطبیق احکام شرعی در موضوعی از موضوعات خارجی است، اما فتوی بیان احکام الهی به نحو «قضیه حقیقیه» بدون تطبیق بر مصادیق خارجی است. برای مثال حاکم می‌گوید: این مال متعلق به زید است، اما مفتی می‌گوید: تکلم در حین نماز، موجب بطلان است.<sup>۲</sup> ثانیاً، مجتهد دیگر نمی‌تواند حکم حاکم را نقض کند، اما مجتهد می‌تواند بر اساس مبانی خود بر خلاف مجتهد دیگر فتوی دهد. ثالثاً، نقش مجتهد در صدور فتوی واسطه در بیان حکم الهی است، اما حکم را حاکم بواسطه ولایتی صادر می‌کند که از جانب خداوند دارد.<sup>۳</sup>

---

۱. شهید اول، القواعد والفوائد، تحقیق دکتر عبدالهادی حکیم ج ۱ (قم، مکتبه المفید، بی تا) ص ۳۲۰ «الفرق بین الفتوی و الحکم مع أن كلا منهما إخبار عن حکم الله تعالى يلزم المكلف اعتقاده في الجملة أن الفتوی مجرد إخبار عن الله تعالى بأن حکمه في هذه القضية كذا و الحکم انشاء اطلاق او الزام في المسائل الاجتهادية و غيرها مع تقارب المدارک فیهما مما يتنازع فيه خصمان لمصالح المعاش».

۲. شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۳ (قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق) ص ۱۰۸.

۳. شیخ محمد حسن نجفی، پیشین، ج ۴۰، ص ۹-۱۰.